اتفاق

روایت برادر رضا نیکخواه از نحوه درگذشت این هنرمند



برادر کوچکتر زنده‌یاد رضا نیکخواه در گفت‌وگویی، روایت خود از نحوه فوت برادرش تشریح کرد. به گفته او، حال این هنرمند از زمان ورود به شیراز کمی مساعد نبود و به مرور این وضعیت تشدید شد و با وجود تلاش یک‌ساعت‌ونیمه تیم اورژانس برای احیا، در منزل از دنیا رفت.

علی‌اصغر نیک‌خواه ـ برادر کوچکتر زنده‌یاد رضا نیکخواه درباره سفر رضا نیکخواه به شیراز و شرایط او پیش از فوت توضیح داد: «رضا برادر بزرگ‌ترم بود و از تهران برای شرکت در مراسم برادر دیگرمان به شیراز آمده بود. روزی که به خانه برادر بزرگ‌ترم رفتیم، او چیزی نمی‌خورد و حال مساعدی نداشت؛ دیدن صحنه آن مراسم، حالش را بدتر کرد. پس از آن بیرون آمدیم و خداحافظی کردیم و زیاد نماندیم. حس کردم حالش خوب نیست و خواستم جای دیگری سر بزنیم، اما گفت نه، ماشین را همین‌جا بیاور. برسیدم برای چه؟ گفت بیاور تا زود سوار شویم و به خانه برویم. گفتم می‌خواهیم جای دیگری برویم، اما نپذیرفت و گفت مستقیم به خانه برویم.»

وی درباره لحظات وخامت حال این هنرمند در منزل افزود: «به خانه رفتیم و دیدم کمی سرش گیج می‌رود. برادر دیگرم همراهمان بود؛ فورا با اورژانس تماس گرفتیم. حدود یک ربع طول کشید تا اورژانس برسد. یک ساعت و نیم قلب او کار می‌کرد و مانیتور نیز ضربان را نشان می‌داد، اما هر کاری کردند نتوانستند او را برگردانند. در حیاط منزل، چهار نفر به همراه یک پزشک از ما احیا می‌کردند و نزدیک به یک ساعت و نیم قلب او را ماساژ دادند، اما ناامیدانه تلاش کردند. دیگر کاری نمی‌توانیم بکنیم و وسایلمان را جمع کردند و رفتند. متأسفانه او همان غروب پیش از مراسم تشییع برادر دیگرم از دنیا رفت.»

برادر این هنرمند درباره وضعیت روحی رضا نیکخواه از زمان ورود به شیراز اظهار کرد: «به طور کلی حال رضا خوب بود، اما زمانی که در فرودگاه شیراز او را دیدم که از هواپیما پایین می‌آمد، ناگهان متوجه شدم کمی است. گفت روی صندلی بنشیند تا حالش بهتر شود. اطرافش هم جمعیتی بود که می‌خواستند عکس بگیرند. او را به خانه آوردیم؛ چیزی نمی‌خورد و حالش تعریفی نداشت. مکرر می‌گفتم به بیمارستان برویم، اما می‌گفت نه، چیزی نیست. غروب حالش بدتر شد و برای همیشه رفت.»

علی‌اصغر نیک‌خواه درباره جایگاه مردمی این هنرمند و بازتاب گذشت او توضیح داد: «هردم او را بسیار دوست داشتند. فضای مجازی را که نگاه کردم، دیدم سرشار از پیام است؛ هر لحظه درباره موضوعات مختلف پیام می‌دیدم، اما همه از یک موضوع می‌نوشتند؛ از رفتن رضا و خاطراتی که برایشان ساخته بود و لبخندی که بر لب‌هایشان نشانده بود و سیاسگزاری می‌کردند. حتی رسانه‌های بیگانه نیز درباره او صحبت و تحلیل می‌کردند. او انسان بالارزشی بود که رفت؛ کسی که همه را می‌خنداند، همه را گریاند.»

کلاکت

وسترن‌سازی اسپیلبرگ و پل توماس اندرسن



استیون اسپیلبرگ برای ساخت فیلم وسترنی تازه با فیلمنامه پل توماس اندرسن آماده می‌شود. استیون اسپیلبرگ پروژه بعدی خود را معرفی کرده است؛ یک فیلم وسترن که فیلمنامه آن را پل توماس اندرسن می‌نویسد و بر اساس رمان «قلب در زمستان» نوشته کوین بری، منتشرشده در سال ۲۰۲۴ ساخته خواهد شد. این همکاری دو فیلمساز برنده اسکار، گروهی از بازیگران مطرح از جمله جسی باکلی، کیلین مورفی و مارک رایلنس را گرد هم می‌آورد. داستان فیلم درباره دو فراری است که در دهه ۱۸۹۰ میلادی تحت تعقیب قرار می‌گیرند.

وداع هنرمندان و مردم شیراز با محمدجواد بخشی‌زاده هنرمند پیشکسوت تئاتر

چراغ صحنه خاموش شد



پیکر محمدجواد بخشی‌زاده، هنرمند پیشکسوت تئاتر و بنیان‌گذار گروه تئاتر سپیدبد، پس از بیش از ۶۰ سال دلدادگی به صحنه و تلاش برای اعتلای هنرهای نمایشی، با حضور جمعی از هنرمندان و مردم مدروست شیراز از مقابل تالار حافظ تشییع شد.

تالار حافظ شیراز، روز گذشته میزبان بدرقه مردی بود که بیش از ۶ دهه از عمر خود را در مسیر هنرهای نمایشی سپری کرد، هنرمندی که برای بسیاری از اهالی تئاتر، نه‌تنها یک بازیگر و کارگردان، بلکه بخشی از خاطره و تاریخ هنر نمایش در فارس بود. در آیین تشییع پیکر محمدجواد بخشی‌زاده، هنرمند پیشکسوت، بنیان‌گذار گروه تئاتر سپیدبد و چهره‌ای شناخته‌شده در عرصه معماری و میراث فرهنگی؛ جمعی از مسئولان فرهنگی و هنری، هنرمندان و دوستداران او حضور داشتند.

«از دشواری‌های زندگی تا دلدادگی به صحنه

محمدجواد بخشی‌زاده متولد سال ۱۳۲۲ در شیراز بود و از ۱۶ سالگی قدم به عرصه هنرهای نمایشی گذاشت. او پس از درگذشت پدر، در حالی که هنوز نوجوان بود، برای تامین زندگی خانواده وارد بازار کار شد و همزمان تحصیلات شبانه خود را ادامه داد. مسیری که ورودش به دنیای تئاتر را نیز با تجربه دشواری‌های زندگی پیوند زد. وی در دهه‌های بعد، نه‌فقط به‌عنوان بازیگر و کارگردان، بلکه به‌عنوان یکی از چهره‌های تاثیرگذار در استمرار جریان تئاتر شیراز شناخته شد و گروه تئاتر سپیدبد را بنیان گذاشت. گروهی که در شمار قدیمی‌ترین و فعال‌ترین گروه‌های تاریخ تئاتر فارس قرار دارد و بیش از ۶۰ سال در زمینه اجرای نمایش‌های ایرانی، مذهبی، تاریخی و دیگر گونه‌های نمایشی فعالیت کرده است.

«بخشی‌زاده، هنرمندی چندوجهی با هویت ایرانی

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس در این آیین با تسلیت درگذشت این هنرمند به خانواده او، حامل پیام تسلیت شماری از مسئولان کشوری، از جمله مدیرکل هنرهای نمایشی و مدیرکل موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستم.

مهدی رنجبر با اشاره به ویژگی‌های متمایز شخصیت هنری بخشی‌زاده اظهار کرد: اگر بخواهم وجه تمایز استاد را با دیگر هنرمندان هم‌نسلش در عرصه نمایش بیان کنم، باید به چندوجهی بودن شخصیت هنری او اشاره داشته باشم. وی افزود: بخشی‌زاده، در عرصه موسیقی، معماری، میراث فرهنگی، کارگردانی، بازیگری و نمایشنامه‌نویسی صاحب تجربه و جایگاه بود و هویت ایرانی را در سرزمین پارسه معنا می‌کرد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس با اشاره به پیوند عمیق این هنرمند با حافظ و سعدی و فرهنگ ایرانی، بیان کرد: او دلدادگی را در جوار حضرت حافظ و عشق را در کنار آرامگاه سعدی به نمایش گذاشت و شور عارفانه را در آثارش بازتاب داد. رنجبر در پایان برای این هنرمند فقید آرامش و رحمت الهی آرزو کرد.

جوانانی که در کنار او آموزش دیدند، او را همچون پدری در کنار خود داشتند و امیدوارم شاگردانش ادامه‌دهنده راه او باشند.

رکنی با یادآوری بیتی از شعر سهراب سپهری بیان کرد: «پدرم وقتی مرد، پاسیل‌ها همه شاعر بودند، مرد بقال از من پرسید چند من خربزه می‌خواهی؟ من به او گفتم دل خوشی...» مردی که از نوجوانی به صحنه تئاتر قدم گذاشت و بیش از ۶۰ سال برای زنده نگه‌داشتن هنر نمایش در شیراز تلاش کرد، این بار در میان بدرقه همنسلان، شاگردان و دوستدارانش از صحنه زندگی رفت، اما گروه تئاتر سپید، آثار نمایشی و نسلی از هنرمندانی که در مسیر او پرورش یافتند، همچنان بخشی از میراث فرهنگی و هنری او خواهند بود.جایگاه بخشی‌زاده را نمی‌توان تنها با شمار آثار و اجراهایش سنجید، بلکه اهمیت فعالیت او در سال‌هایی که جریان‌های هنری خارج از پایتخت کمتر مجال دیده‌شدن در روایت رسمی تاریخ تئاتر ایران داشتند، در ساختن امکان تئاتر در شیراز و تلاش برای استمرار یک جریان مستقل نمایشی در این شهر نیز معنا پیدا می‌کند.او سال‌ها با وجود محدودیت‌ها گروه تشکیل داد، نمایش روی صحنه برد، بازیگر پرورش داد و برای زنده نگه‌داشتن چراغ تئاتر در زادگاهش تلاش کرد.

ماندن در شیراز و ساختن یک جریان هنری در خارج از مرکز، از ویژگی‌های برجسته کارنامه او به شمار می‌رود.

«پیوند نمایش ایرانی با ادبیات و فرهنگ فارسی

توجه به نمایش ایرانی و پیوند تئاتر با ادبیات فارسی از دیگر ویژگی‌های مهم کارنامه هنری بخشی‌زاده بود. او نمایش ایرانی را صرفا قالبی تاریخی برای اجرا نمی‌دانست، بلکه آن را حامل جهان‌بینی و بخشی از هویت فرهنگی این سرزمین می‌دید، نگاهی که در علاقه‌مندی او به مضامین عرفانی، مذهبی، تاریخی و ادبی بازتاب داشت. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به نمایش‌های «رستم و سهراب» که در دهمین دوره جشنواره سراسری تئاتر فجر حضور داشت، «رستم و اسفندیار»، «پیر چنگی»، «ارشی دیگر» و آخرین اثرش «دلدار» اشاره کرد که در جوار آرامگاه حافظ به اجرا درآمد. بخشی‌زاده در سینما و تلویزیون نیز فعالیت داشت و در آثاری همچون «ملک سلیمان»، مجموعه تلویزیونی «امام علی (ع)» و «فرستاده» به‌عنوان بازیگر حضور یافت.دریافت نشان درجه یک هنری در رشته نمایش سنتی نیز از دیگر افتخارات کارنامه هنری او بود.

در پایان این آیین، پیکر محمدجواد بخشی‌زاده با حضور مسئولان فرهنگی و هنری، هنرمندان، شاگردان و جمعی از مردم هنردوست شیراز از مقابل تالار حافظ تشییع شد تا اهالی فرهنگ و هنر در این شهر با مردی وداع کنند که بیش از ۶۰ سال از عمر خود را وقف تئاتر و اعتلای هنرهای نمایشی کرده بود، مردی که اگرچه از صحنه زندگی کنار رفت، نام و آثارش در حافظه تئاتر فارس باقی خواهد ماند.

«خاطره‌ای از مردی که جوانان را به صحنه بازمی‌گرداند

فارس نیز در این مراسم با یادآوری خاطره‌ای از دوران نوجوانی خود، بخشی‌زاده را هنرمندی توصیف کرد که عشق به تئاتر و توجه به نسل جوان در رفتار و منش او آشکار بود.بهزاد مریدی گفت: زمانی که دانش‌آموز بودیم، با شور و اشتیاق از شهرهای دور جنوب ایران به شیراز می‌آمدیم تا در جشنواره‌ها شرکت کنیم و هنرمندانی را از نزدیک ببینیم که نامشان را شنیده بودیم. وی ادامه داد: در یکی از همین جشنواره‌ها، زمانی که استاد بخشی‌زاده داور بود، من که در دوران نوجوانی به‌عنوان بازیگر از جنوب ایران به شیراز آمده بودم، بیمار شدم. شب پیش از اجرای نمایش در بیمارستان بستری بودم و پزشک تأکید کرده بود که نباید روی صحنه بروم؛ بخشی‌زاده حدود ساعت ۱۱ شب به بیمارستان آمد و گفت «جوان، بلند شو». او تا صبح برای تعیین بازیگر جایگزین من تلاش می‌کرد، اما صبح، به عشق دیدار و همراهی هنرمندانی چون بخشی‌زاده، دوباره روی صحنه رفتم. مدیرکل میراث فرهنگی فارس با بیان اینکه این خاطره هیچ‌گاه از ذهنش پاک نخواهد شد، یاد و نام این هنرمند را گرامی داشت.

«پیام رحیم هـودی؛ پیوند دل‌هایی که با هنر شکل گرفت

در ادامه این مراسم؛ فرهاد ارشاد نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر در حوزه دفاع مقدس، پیام رحیم هودی را که به دلیل کسالت و عارضه قلبی امکان حضور در آیین تشییع را نداشت، قرائت کرد.

در بخشی از این پیام آمده است: امروز در سوگ مردی ایستاده‌ایم که بخشی از خاطره و تاریخ تئاتر این سرزمین بود، درگذشت دوست، همکار و دیرینه، استاد محمدجواد بخشی‌زاده، ضایعه‌ای تلخ و اندوهی بزرگ برای جامعه هنری و به‌ویژه خانواده تئاتر است.

هودی در این پیام با اشاره به سال‌های همراهی خود با بخشی‌زاده در جهان صحنه و هنر افزود: سال‌های بسیاری را در کنار یکدیگر سپری کردیم، جهانی که در آن عشق به تئاتر، تعهد به فرهنگ و دغدغه انسان و هنر، پیوندی عمیق میان ما برقرار کرده بود. وی، بخشی‌زاده را از نسلی دانست که عمر خویش را عاشقانه بر سر هنر گذاشتند و رد‌پای تلاش و هنرشان در خاطره صحنه و فرهنگ باقی خواهد ماند.

در بخش دیگری از این پیام آمده بود، امروز به دلیل شرایط جسمانی و بیماری، توفیق حضور در کنار پیکر دوست و همکار عزیزم را ندارم، اما باور دارم فاصله جسم‌ها هرگز نمی‌تواند پیوند دل‌هایی را که سال‌ها در مسیر هنر همراه بودند، از میان ببرد. هودی در پایان پیام خود، با تسلیت به خانواده بخشی‌زاده، جامعه هنری و دوستداران این هنرمند، ابراز امیدواری کرد یاد و نقش‌آفرینی‌های او همچون خاطره‌ای ماندگار در حافظه فرهنگ و هنر این سرزمین باقی بماند.

این پیام با ابیاتی در سوگ دوست دیرینش ادامه یافت، ابیاتی که در آن آرش، تیر رهاشده از کمان و سفر همیشگی پهلوان قصه‌ها یاد شده بود و با این عبارت به پایان رسید: «سفر برای همیشه بخیر، پهلوان قصه‌های من».

«صحنه‌ای که با رفتن او خلوت‌تر شد

سیدابراهیم رکنی، دیگر بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر از هنرمندان حاضر در این مراسم نیز با اشاره به سال‌ها فعالیت هنری بخشی‌زاده، فقدان او را ضایعه‌ای برای تئاتر و نمایش ایرانی دانست. وی گفت: تعدادی از هنرمندان تئاتر یک‌یکی از میان ما می‌روند و امروز به بدرقه عزیزی آمده‌ایم که بیش از نیم قرن برای هنر، زبان فارسی و نمایشنامه‌های ایرانی تلاش کرد.

رکنی با یادآوری همکاری‌های خود با این هنرمند در آثاری همچون تعزیه، رستم و سهراب و منطق‌الطیر عطار، به یکی از اجراهای شاخص گروه تئاتر سپید اشاره کرد و افزود: نمایش رستم و سهراب در سال ۱۳۷۰ برای جشنواره فجر انتخاب شد و در شهرهای مختلفی از جمله زاهدان و تهران به اجرا درآمد. این نمایش با استقبال روبه‌رو شد و چندین نوبت در سالن‌های مختلف روی صحنه رفت. وی با اشاره به نقش بخشی‌زاده در تربیت نسل جوان تئاتر گفت: بسیاری از

دریچه

رضا امیرخانی متفاوت بود!



احمد اکبرپور می‌گوید: آزادگی رضا امیرخانی در عین حالی که فرد معتقدی بود، او را از بقیه نویسنده‌ها متمایز می‌کرد.

احمد پرهیزی در روایتی از آخرین دیدار خود با رضا امیرخانی نوشته است؛ او در این خاطره با اشاره به احمد اکبرپور، از امیرخانی نقل می‌کند که گفته بود با او تا چهنم هم می‌رود! حالا احمد اکبرپور، نویسنده، در پی درگذشت رضا امیرخانی با اشاره به آشنایی حدود ۲۰ ساله خود با این نویسنده فقید گفت: دوستمان بابک طیبی، جلسات نقدی را در حوزه هنری برگزار می‌کرد و من هم به عنوان منتقد حضور داشتم و از آنجا با رضا آشنا شدیم. چیزی که از او دیده این بود که آدمی با اعتقادات مشخص و معین بود که این اعتقادات او را به یک طیف خاص محدود نکرده بود. ارتباطات او وسیع‌تر از این بود که فقط با آدم‌هایی با یک عقیده یا روال خاص ارتباط داشته باشد. مطالعاتش هم همین‌طور بود؛ از حوزه خودش خارج می‌شد و مطالعاتش به‌روز بود و با آدم‌های متفاوت‌تری ارتباط داشت. این مسئله رضا امیرخانی را از چهره‌هایی که به هر حال یک‌جانبه‌نگر بودند و همیشه یک طیف خاص را دنبال می‌کردند، متمایز می‌کرد. آزادگی رضا امیرخانی در عین حالی که فرد معتقدی بود، او را از بقیه نویسنده‌ها متمایز می‌کرد.

وی با اشاره به آثار داستانی امیرخانی بیان کرد: در رمان‌هایش هم مشخص بود آدمی است که دنبال فرم‌های نو می‌گردد و دنبال تجربه فضاهای تازه‌تر است. حالا ممکن است در بعضی جاها موفق‌تر و در بعضی جاها کمتر موفق بوده باشد، اما واقعا فکر می‌کنم آدمی بود که خط و تجربه می‌کرد. اکبرپور خاطرنشان کرد: رضا، حداقل در دوستی، فراتر از یک مشی خاص و یک ایدئولوژی مشخص بود. در عین حالی که می‌دانست خیلی از دوستانش احیانا در آن مسیر مشخص و مسیر اعتقادی مشخص او نیستند، آدمی بود که مدارای نهادینه و حافظ‌گونه و وجودش بود. وی درباره واکنش‌های رضا امیرخانی به مسائل مختلف نیز گفت: به دلیل همین ویژگی برایم قابل احترام بود؛ حداقل آدمی قابل پیش‌بینی نبود. آدمی نبود که بگویی در این موقعیت، مثل بقیه همان مسیر را می‌رود؛ همه از بزرگی او یاد می‌کنند. من به همین جاها واکنش‌هایی نشان داد که واقعا از یک نویسنده توقع داریم؛ اینکه در جاهایی که تشخیص می‌دهد یا احساس می‌کند سیستم دارد به سمت نادرستی می‌رود، این جرئت را داشته باشد که اعتقاد شخصی خودش را فریاد بزند.

احمد اکبرپور درباره خاطره مشترک با رضا امیرخانی نیز گفت: هرکس من را بشناسد می‌داند هر جا باشم نمی‌توانم طنز و شوخی نداشته باشم؛ رضا امیرخانی با این فضای شوخی مغذب نمی‌شد و می‌پذیرفت که در این فضاها هستیم. آخرین‌بار در نمایشگاه کتاب تهران با احمد پرهیزی بودیم و دوروبرش شلوغ بود. پرهیزی گفت «این جماعت را ول کن، بیا با جماعت ما خراباتی‌ها» رضا گفت: «به خدا کار دارم، وگرنه با احمد اکبرپور به جهنم هم شده می‌آیم»! فکر می‌کنم فهم رضا امیرخانی از آدم‌ها و ارتباط با آدم‌ها فراتر از ایدئولوژی بود. به قولی، رضا هیچ‌وقت تحت یک چارچوب بسته ایدئولوژیک رفتار نکرد؛ او همچنین با اشاره به دریافت جایزه جلال آل‌احمد توسط امیرخانی گفت: یک خاطره هم از زمانی که جایزه جلال را گرفت دارم. من در دوره‌ای داور این جایزه بودم. او جایزه‌اش را به روستایی در سیستان و بلوچستان تقدیم کرد که این هم برای من جالب بود.

۱۶ اثر برای حضور در دومین جشنواره ملی چنار استهبان انتخاب شد

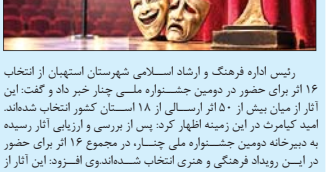

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان استهبان از انتخاب ۱۶ اثر برای حضور در دومین جشنواره ملی چنار خبر داد و گفت: این آثار از میان بیش از ۵۰ اثر ارسالی از ۱۸ استان کشور انتخاب شده‌اند. امید کیامرث در این زمینه اظهار کرد: پس از بررسی و ارزیابی آثار رسیده به دبیرخانه دومین جشنواره ملی چنار، در مجموع ۱۶ اثر برای حضور در این رویداد فرهنگی و هنری انتخاب شده‌اند.وی افزود: این آثار از شهرهای مختلف کشور ارسال شده‌اند و حضور هنرمندان از ۱۸ استان در مرحله ارسال آثار، نشان‌دهنده گستردگی استقبال از دومین جشنواره ملی چنار و ظرفیت این رویداد برای ایجاد ارتباط میان هنرمندان نقاط مختلف کشور است.

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استهبان با اشاره به آثار منتخب گفت: «نقیض» به کارگردانی سالار شاب از شاهین‌شهر، «فرکانس آخر» به کارگردانی محسن مسعودی‌فر از نیشابور، «بابونه» به کارگردانی محمد شکروی از شیراز، «آستانه» به کارگردانی پیمان کرم‌زاده از خرم‌آباد، «تاراژ» به کارگردانی نسرین محمدی از زنجان، «خون و جنون» به کارگردانی سلمان شفیعی از خلخال، «برزخ» به کارگردانی محمدرضا هوینی از اصفهان و «طالعه طلعت» به کارگردانی سجاد نارنجی از تهران از جمله آثار انتخاب‌شده برای این جشنواره است.کیامرث افزود: از دیگر آثار می‌توان به «هداک» به کارگردانی زهرا فرونق از شیراز، «تاتمام» به کارگردانی عاطفه دامن‌پاک از شیراز، «دراب» به کارگردانی سعید عطوفت از داراب، «هیوا» به کارگردانی زهرا اسدی استهباناتی از شیراز و «الودگی ذهنی» به کارگردانی خلیل بردبار از داراب، به همراه سه اثر «بهمن شیر یک نفر» به کارگردانی سمانه شاهرخی از کرمان، «دست‌ها حرف می‌زنند» به کارگردانی مریم دوستی اصفهان و «کاور صدو پنجاه و یکم» به کارگردانی ابراهیم یمین اسماعیلی از همدان، اشاره کرد.

«مونولوگ نمایشی، قالب اصلی جشنواره

وی با اشاره به قالب اجرایی این دوره از جشنواره گفت: دومین جشنواره ملی چنار با محوریت مونولوگ نمایشی برگزار خواهد شد، قالبی نمایشی که بر اجرای تک‌نفره، توانمندی بازیگر در انتقال مفاهیم و روایت و ارتباط مستقیم با مخاطب تمرکز دارد.وی افزود: انتخاب قالب مونولوگ نمایشی فرصتی برای بروز خلاقیت‌های فردی هنرمندان و ارائه تجربه‌های متفاوت در عرصه هنرهای نمایشی فراهم می‌کند.

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استهبان با تاکید بر اهمیت برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری در شناسایی و حمایت از استعدادهای هنری کشور اظهار کرد: دومین جشنواره ملی چنار به همت موسسه فرهنگی هنری ترانه آوای یاران در شهرستان استهبان برگزار می‌شود و فرصتی برای تعامل هنرمندان، تبادل تجربه و معرفی ظرفیت‌های هنری مناطق مختلف کشور فراهم می‌کند. وی با قدردانی از مشارکت هنرمندان استان‌های مختلف در این دوره از جشنواره، ابراز امیدواری کرد که این رویداد در تقویت جریان تولید آثار هنری و حمایت از هنرمندان شهرستان‌ها نقش موثری ایفا کند.

یادداشت‌های ماندگار زرین‌کوب و برخاستن «حدیث خوش سعدی»



کتاب «حدیث خوش سعدی» اثر عبدالحسین زرین‌کوب، زندگی و اندیشه استاد سخن را در بستر آشوب‌های قرن هفتم و روزگار مغول واکاوی می‌کند. ادبیات کلاسیک فارسی، ریشه در خاک تاریخ و اندیشه‌ورزی متفکرانی دارد که در طوفان حوادث روزگار، پناهگاه معنوی ملت بوده‌اند. در میان این چهره‌های درخشان، مصلح و شاعر بزرگ شیراز، سعدی، جایگاهی بی‌بدیل دارد. شناخت ابعاد گوناگون شخصیت، اندیشه و آثار این خنیاگر ملک سخن، همواره دغدغه پژوهشگران برجسته تاریخ و ادب بوده است. در این میان، کتاب «حدیث خوش سعدی: درباره زندگی و اندیشه سعدی»، یکی از پژوهش‌هایی است که با نگاهی عمیق، جامعه‌شناختی و تاریخی به سراغ سعدی رفته است. هرچند این کتاب، بعد از درگذشت عبدالحسین زرین کوب و از میان یادداشت‌های پراکنده او گردآوری شده و به همت گروه آریان و انتشارات سخن به چاپ رسیده است، ابعاد مختلف ساختاری، فکری و پژوهشی سعدی را در گستره ادبیات فارسی بررسی می‌کند.

«رویکرد نوین زرین‌کوب در تحلیل زندگی سعدی

کتاب «حدیث خوش سعدی» فراتر از یک زندگی‌نامه سنتی و خطی است. دکتر زرین‌کوب در این اثر، سعدی را تنها در قامت یک شاعر غزل‌سرا یا قصیده‌پرداز منصور نمی‌شود، بلکه او را در پیوندی تنگاتنگ با بستر جامعه، ساختار سیاست، سفرهای طولانی، تجربیات زیسته و فضای فکری قرن هفتم هجری می‌کاود. نویسنده با مهارت نشان می‌دهد که چگونه رویدادهای سهمگین دوران، به‌ویژه یورش مغولان و آشوب‌های سیاسی پس از آن، در تاروپود اندیشه و ساختار فکری سعدی بازتاب یافته و او را به مصلحی اجتماعی و خردمندی واقع‌گرا بدل کرده است. یکی از ویژگی‌های برجسته این پژوهش، اختصاص بخش قابل‌توجهی از صفحات آغازین کتاب (حدود هشتاد صفحه) به تحلیل دقیق اوضاع تاریخی عصر سعدی و روزگار مغول است. زرین‌کوب پیش از آنکه به معرفی شخصیت فردی سعدی بپردازد، بستر زمانه او را با تمام تلخی‌ها، تناقض‌ها و دگرگونی‌هایش ترسیم می‌کند تا خواننده درک درستی از چرایی شکل‌گیری آراء اخلاقی و اجتماعی شیخ شیراز داشته باشد.

«ساختار موضوعی و فصل‌بندی کتاب

این اثر ارزشمند از یادداشت‌ها و جستارهای پراکنده زرین‌کوب در سال‌های مختلف زندگی علمی‌اش گردآوری شده است؛ به همین دلیل، ساختار آن بیشتر مبتنی بر «فصل‌های موضوعی» است تا یک روایت پیوسته و تقویمی.

بررسی به برخی عناوین فصل‌های این کتاب، گستردگی ابعاد پژوهش را آشکار می‌سازد: خلق و خوی و سیره اتابک ابوبکر؛ بررسی فضای سیاسی و اجتماعی شیراز در روزگار اتابک ابوبکر و تأثیر قدرت‌های محلی بر نگاه سعدی به عدالت و حکومت؛ بازگشت به شیراز؛ واکاوی دوران بازگشت شاعر به زادگاهش پس از سال‌ها تجربه و سفر، و نقش شیراز در شکل‌گیری شاهکارهای ادبی او.روحیات و حال و کار سعدی در بازگشت؛ تحلیل تعادل ظریف میان زهد، عشق، خردورزی و مسئولیت اجتماعی در منش سعدی.درباره سفر به خراسان و هند و کاشغر: بررسی سفرهای منسوب به سعدی به عنوان مکتبی برای شناخت انسان، قدرت و فرهنگ‌های گوناگون.بوستان و گلستان: تحلیل تطبیقی و محتوایی دو اثر بزرگ سعدی؛ بوستان به عنوان تجلی‌گاه اخلاق و سیاست، و گلستان به عنوان آینه خرد عملی و طنز مصلحانه.سعدی، شیخ شیراز: ریشه‌یابی اعتبار اخلاقی، دینی و ادبی سعدی در فرهنگ عمومی ایرانیان و چرایی اطلاق القاب لقب.سعدی در اروپا: بررسی میزان تأثیرگذاری آثار سعدی، به‌ویژه گلستان، بر ادبیات و تفکر غربی و عبور از مرزهای جغرافیایی.یادداشت‌های حاشیه گلستان: مجموعه‌ای از تحلی‌های مستقل درباره نثر، طنز، حکایات و نگاه واقع‌بینانه سعدی به ساختارهای قدرت و ریاکاری. سیاحت بیدپای: واکاوی سفرنامه‌ها و روایت‌های منسوب به سعدی و پیوند آن‌ها با تجربه جهانی شاعر. اینها بخشی از جستارهای تشکیل دهنده این کتاب بودند.

«سبک نگارش، ارزش ادبی و ملاحظات نشر

نثر عبدالحسین زرین‌کوب در این کتاب، پیراسته، پخته، تحلیلی و گاه فشرده است. او با تسلط کامل بر متون کهن و مبانی تاریخ ادبیات، سعدی را به‌عنوان «استاد سخن» و نماد اعتدال در ادب فارسی معرفی می‌کند؛ با این حال، به دلیل اینکه کتاب از دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌های واپسین سال‌های عمر نویسنده است و پس از درگذشت وی منتشر شده، برخی فصل‌ها شکل جستارهای مستقل به خود گرفته‌اند و شاید ویرایش نهایی شخص نویسنده را مستقیما تجربه نکرده باشند؛ موضوعی که از ارزش علمی و استنادی اثر نمی‌کاهد، اما نیازمند خوانشی دقیق و آگاهانه است.

«جایگاه «حدیث خوش سعدی» در کارنامه زرین‌کوب

زرین‌کوب کارنامه پربار و درخشانی در حوزه تاریخ ادبیات، تصوف و نقد ادبی دارد. آشنایی با آثار او نیازمند یک نقشه راه مطالعاتی است که از کلیات به جزئیات حرکت کند. علاقه‌مندان به حوزه ادب فارسی می‌توانند مطالعات خود را با کتاب‌هایی چون «از گذشته ادبی ایران» برای کسب شناخت کلی و «سیری در شعر فارسی» برای درک تحول سبک‌ها آغاز کنند. سپس با ورود به آثار تخصصی‌تر مانند «حدیث خوش سعدی» یا «پیر گنجه در جست‌وجوی ناکجاآباد» (درباره نظامی گنجوی) و «پله پله تا ملاقات خدا»(درباره مولوی) شناخت خود را از شاعران بزرگ ایران‌زمین عمیق‌تر سازند. همچنین مطالعه آثار عرفانی او همچون «رزش میراث صوفیه» و «جست‌وجو در تصوف ایران» بستر مناسبی برای درک لایه‌های درونی شعر کلاسیک فراهم می‌آورد.

کتاب «حدیث خوش سعدی» که در ۱۸۶ صفحه توسط انتشارات سخن منتشر شده است، نه‌تنها روایتی دلنشین از زندگی یکی از ارکان ادب فارسی است، بلکه گواهی بر نگاه ژرف‌نگر و روش‌مند عبدالحسین زرین‌کوب در پیوند دادن ادبیات با تاریخ، جامعه‌شناسی و اندیشه انسانی است. این اثر برای پژوهشگران، دانشجویان و تمامی دوستداران فرهنگ ایرانی، چراغ راهی است تا سعدی را نه فقط به عنوان یک شاعر خوش‌بیان، بلکه به عنوان اندیشمندی دردآشنا و مصلحی اجتماعی بازشناسند.

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۱۰۰۳۰۰۴۵۹۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ممسنی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد گشتاسبی فرزند اله خدا به شماره شناسنامه ۸۷ صادره از نورآباد درشدانگ یکباب خانه که ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه در مالکیت موقوفه بوشهری می باشد به مساحت ششدانگ ۲۶۶/۲۳ مترمربع پلاک ۴۴۸ فرعی از ۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۲ اصلی قطعه ۹ واقع در بخش ۷ فارس خریداری از مالک رسمی آقای ابراهیم مرادی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

۳۴۹/م.الف–رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ممسنی

علی فرامرزی

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۱۰۰۳۰۰۴۷۴۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ممسنی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد رشیدی فرزند اله خدا به شماره شناسنامه ۲۳۷ صادره از ممسنی درششدانگ عرصه و اعیان قسمتی از یکباب خانه به مساحت ۹۶/۸۵ مترمربع پلاک ۶۲۵۸ فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۹ اصلی قطعه ۹ واقع در بخش ۷ فارس خریداری از مالک رسمی ورثه کهزاد جمشیدی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

۳۵۰/م.الف–رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ممسنی

علی فرامرزی

**آگهی موضوع ماده